

انطباق و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خودمختاری هیجانی: مقایسه دو الگوی متفاوت

آناهیتا مهرپور^۱

کارشناس روان‌شناسی بالینی دانشگاه شیراز

دکتر نوراله محمدی

استاد روان‌شناسی بالینی دانشگاه شیراز

چکیده

خودمختاری هیجانی، یک ویژگی روان‌شناختی است که از نیازهای روان‌شناختی ریشه می‌گیرد؛ نیاز به خودمختاری، یکی از نیازهای اساسی روان‌شناختی است. این نیاز به ویژه باید در آستانه ورود به دوره بزرگ‌سالی مورد توجه قرار گیرد. هدف پژوهش حاضر، بررسی ساختار عاملی و پایایی مقیاس خودمختاری هیجانی (استنبرگ و سیلوربرگ؛ بیرز، گوسنس، کلاستر و دوریز) بود. در این راستا، مدل‌های چهار عاملی و دو عاملی ارائه شده برای مقیاس یادشده با استفاده از نرم‌افزار AMOS بررسی شد؛ همچنین، پایایی مقیاس‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS برآورد شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، ۳۴۸ دانشجوی دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی شیراز (۲۱۳ دختر و ۱۳۴ پسر) بودند که به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به منظور اجرای تحلیل عاملی، نخست شاخص‌های مربوط به کفایت نمونه و ماتریس همبستگی متغیرها محاسبه شد؛ سپس با محاسبه آلفای کرونباخ، پایایی کل مقیاس و زیرمقیاس‌ها محاسبه شد. در حین محاسبه پایایی، بعضی سؤالات به دلیل کاستن از پایایی مقیاس حذف شدند. در ادامه، با استفاده از الگوی تحلیل عاملی تأییدی، دو مدل مختلف ارائه شده برای مقیاس بررسی شد که مدل دو عاملی (کناره‌گیری - تفرّد) در قیاس با مدل چهار عاملی (ایده‌آل‌زدایی، ناوابستگی، پدر و مادر به عنوان مردم عادی، نفوذ) شاخص‌های برازش مناسب‌تری را به دست داد. در نهایت، در راستای

^۱. نویسنده مسئول

فراهم آوردن پشتوانه نظری برای روایی سازه مقیاس خودمختاری هیجانی، همبستگی گویه‌ها با نمره کل محاسبه شد که نشانگر رابطه معنادار بین نمره کل و گویه‌ها بود. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن بود که مدل دو عاملی با داده‌های حاصل از جامعه دانشجویی ایران هماهنگی بیش‌تری دارد.

واژه‌های کلیدی: مقیاس خودمختاری هیجانی، تحلیل عاملی تأییدی، پایایی

Psychometric Properties of the Emotional Autonomy scale: Comparing Two Theoretical Models

Mehrpour, A., Mohammadi, N

Abstract

Emotional autonomy is a psychological phenomenon which arising from basic psychological needs. It is needed to pay much attention to emotional autonomy during the transition to adulthood. The aim of the present study was to investigate psychometric properties of the Emotional Autonomy Scale (EAS; Steinberg & Silverberg, 1986; Beyers, Goossens, Van claster, & Duriez, 2005) . Participants were 348 students of Shiraz University & Shiraz University of medical sciences and health services (213 girls & 134 boys). They were selected based on stratified-cluster sampling and completed the EAS. To investigate the construct validity of the questionnaire, measures of sampling adequacy were checked and those measures were satisfying. Then using chronbach's alpha reliability of the whole scale & it's subscales was assessed & it showed satisfying reliability. Some questions were omitted due to reliability reduction. In order to check the construct validity, CFA using AMOS version 20 and the maximum likelihood pattern was performed. Then, two theoretical models of emotional autonomy were compared. Finally, the results revealed that the two factor model, showed better goodness of fit indexes. At least, for better theoretical backgrounds, correlations between questions and the general scores was assessed. Almost all correlations were significant. Results revealed that the two-factor model is more accordant with Iranian undergraduate student sample. This article is finished with conclusion and discussion of the findings and some suggestions for the future research.

Keywords: Psychometric properties, emotional autonomy, undergraduate students, CFA, Reliability analysis

مقدمه

آن‌گاه که یک کودک به سمت نوجوانی و آغاز بزرگ‌سالی گام برمی‌دارد، فرایند بلوغ آغاز می‌شود؛ بلوغ، صرفاً فیزیکی نیست؛ بلکه ابعاد روان‌شناختی نیز هم‌زمان با بلوغ فیزیکی تغییر می‌کنند. به عنوان نتیجهٔ رشد هیجانی و شناختی و تغییراتی که در انتظارات اجتماعی ایجاد می‌شود، نوجوانان به مرور از اولیای خود مستقل می‌شوند (چان و چان^۱، ۲۰۰۹) و به نیاز اساسی روان‌شناختی «خودمختاری» پاسخ می‌گویند.

در آستانهٔ ورود به دورهٔ جوانی نیز، نوجوانان فرایند مستقل شدن را تجربه می‌کنند و نقش استقلال در دورهٔ ورود به دورهٔ بزرگ‌سالی نیز به چشم می‌آید. در این سطح، نوجوانان هویت خود را گسترش می‌دهند و مسئولیت‌های جدیدی را نیز می‌پذیرند. این فرایند «تفرّد^۲» نام می‌گیرد. پژوهشگران، گوناگونی را برای فرایند یادشده ارائه کرده‌اند که استقلال^۳، خودمختاری^۴ و کناره‌گیری^۵ از آن جمله‌اند (گاربر و لیتل^۶، ۲۰۰۱). تبدیل شدن به فردی خودمختار به لحاظ هیجانی مستلزم آن است که نوجوانان آگاه شوند که خودشان و پدر و مادرشان افرادی بالغ و مستقل هستند (بلاس^۷، ۱۹۷۹). در این راستا، لازم است نوجوانان بر بازنمایی‌های کودکانه از پدر و مادرشان فایق آیند و آگاه شوند که اولیای آن‌ها افرادی عادی با اشتباهات و مشکلات شخصی خود هستند (لوی-وارن^۸، ۱۹۹۹).

بلاس (۱۹۷۹) تأکید کرده است که این فرایند «ایده‌آل‌زدایی^۹»، در وهلهٔ اول فرایندی هیجانی است؛ همین‌طور زیمر-جمبک و کولینز^{۱۰} (۲۰۰۳) بیان کرده‌اند که تبدیل

1. Chan & Chan
2. Individuation
3. Independence
4. Autonomy
5. Detachment
6. Garber & Little
7. Blos
8. Levy-Warren
9. Deidealization
10. Zimmer-Gembeck & Collins

شدن به فردی خودمختار به لحاظ هیجانی در سطح ابتدایی فرایندی است هیجانی؛ اما زیمر-جمبک و کولینز افزوده‌اند که نباید از ابعاد شناختی و رفتاری فرایند خودمختاری هیجانی نیز غافل شد.

در راستای تبدیل مفهوم‌سازی و دیدگاه نظری بلاس به پژوهش تجربی، استینبرگ و سیلوربرگ^۱ (۱۹۸۶) مقیاس «خودمختاری هیجانی»^۲ را تدوین کردند و اصطلاح یادشده را برای تبیین دیدگاه نظری خود برگزیدند.

استینبرگ و هم‌کارانش (استینبرگ و سیلوربرگ، ۱۹۸۶؛ استینبرگ و لمبورن^۳، ۱۹۹۳) بیان داشتند که در آستانه ورود به بزرگسالی، تصورات و مفهوم‌سازی‌های نوجوانان از پدر و مادرشان تغییر می‌کند و آنان تلاش می‌کنند به جهت عاطفی و رفتاری از اولیای خود مستقل شوند. تفرد که یکی از مهم‌ترین عوامل خودمختاری عاطفی است نیز، به معنای استقلال روان‌شناختی نوجوان از خانواده خود در آستانه ورود به بزرگسالی است (کراگر^۴، ۱۹۹۷).

بر مبنای دیدگاه هافمن^۵ (۱۹۸۴) برای دست‌یابی به بهزیستی روان‌شناختی، لازم است یک بزرگسال «به جهت روان‌شناختی از پدر و مادرش جدا باشد و به عنوان یک فرد مستقل احساس هویت به دست آورد» (ص ۱۷۰).

استینبرگ و سیلوربرگ (۱۹۸۶) برای خودمختاری هیجانی چهار عامل را در نظر می‌گیرند: ایده‌آل‌زدایی از پدر و مادر (ایده‌آل‌زدایی^۶)، مسئولیت‌پذیری برای رفتار شخصی (ناوابستگی^۷)، درک این که اولیا جدای از نقش والدینی خود، نقش‌هایی دارند (اولیا به عنوان افراد عادی^۸) و ارائه احساس منحصر به فرد بودن «خود» به عنوان یک فرد

1. Steinberg & Silverberg
2. Emotional Autonomy
3. Steinberg & Lamborn
4. Kroger
5. Hoffman
6. Deidealization
7. Non-dependency
8. Parent as People

مستقل (نُفرد^۱). تمایز نهادن بین این ابعاد، برای درک معنای خودمختاری هیجانی مهم است. هرچند طراحان مقیاس از آغاز پیوند خودمختاری هیجانی با سازگاری را در نظر داشته‌اند، در پژوهش‌های پیشین، خودمختاری هیجانی بیش‌تر تعیین‌کننده «ناسازگاری^۲» بوده است. آن گونه که ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد، نمرات خودمختاری هیجانی با حساسیت به فشار گروهی هم‌سالان (استینبرگ و سیلوربرگ، ۱۹۸۶)، احساس ناایمن به پدر و مادر و طردشدن (ریان و لینچ^۳، ۱۹۸۹)، سوء مصرف مواد مخدر و رفتار پرخاشگرانه (ترنر، ایروین، شان، و میلستین^۴، ۱۹۹۳)، احساس افسردگی و اضطراب (پاپینی و راگمن^۵، ۱۹۹۲)، پریشانی و مشکلات درونی‌سازی (بیرز و گوسنس، ۱۹۹۹؛ گاربر و لیتل، ۲۰۰۱) به شکل معناداری ارتباط دارد.

هرچند در ادبیات پژوهشی، متغیرهای دیگری نیز همراه با خودمختاری هیجانی به بوتهٔ سنجش گذاشته شده‌اند (سامانی، ۱۳۸۴؛ چن^۶، ۱۹۹۹؛ چان و چان، ۲۰۰۹)، همبستگی این سازه با ابعاد ناسازگار باعث شده است بعضی نویسندگان (مثلاً ریان و لینچ، ۱۹۸۹) این بحث را به میان آورند که این مقیاس، کناره‌گیری^۷ را می‌سنجد که شکل افراطی استقلال (جداشدن) از پدر و مادر است.

در عین حال، می‌توان فرض کرد که اگر بعضی ابعاد مقیاس خودمختاری هیجانی، کناره‌گیری را می‌سنجند، دیگر ابعاد این چنین نیستند (بیرز، گوسنس، کلاستر، و دوریز^۸، ۲۰۰۵). مطالعات بسیاری نیز اشاره کرده‌اند که بخش‌های مختلف مقیاس خودمختاری هیجانی، ابعاد گوناگون این سازه را می‌سنجند؛ آن‌چنان که ریان و لینچ

1. Individuation
2. Maladjustment
3. Ryan & Lynch
4. Turner, Irwin, Tschann, & Millstein
5. Papini & Roggman
6. Chen
7. Detachment
8. Beyers, Goossens, Claster, & Duriez

(۱۹۸۹) نشان داده‌اند ابعاد گوناگون خودمختاری هیجانی، به شکل‌های متفاوتی با مقیاس‌های کناره‌گیری-تفرد^۱ در ارتباط هستند.

در ادامه مطالعات برای بررسی ساختار عاملی مقیاس خودمختاری هیجانی، چن و دورنباخ^۲ (۱۹۹۸) نشان دادند که زیر مقیاس تفرد با سازگاری رابطه‌ای منفی دارد. هم‌چنین بر اساس دیدگاه بیرز، گوسنس، کلاستر و دوریز (۲۰۰۵) زیر مقیاس تفرد رابطه قوی و منفی با دلبستگی ایمن در روابط با اولیا داشته است.

بحث‌های پیش‌گفته درباره مثبت یا منفی بودن رابطه مقیاس خودمختاری هیجانی، باعث شده است که پژوهشگران دیدگاه‌های مختلفی را درباره ساختار عاملی مقیاس ارائه دهند.

مدل اصلی پژوهش، همان‌گونه که در پیش‌ارائه شد، دارای چهار زیر مقیاس بوده است و عموم تحقیقات پیشین نیز از این دیدگاه خودمختاری هیجانی را بررسی کرده‌اند (مثلاً سامانی، ۱۳۸۴؛ گاربر و لیتل، ۲۰۰۱). بیرز، گوسنس، کلاستر و دوریز (۲۰۰۵) یک مدل دو عاملی را برای این سازه ارائه دادند که دارای متغیرهای مکنون^۳ سطح دوم بود. آنان برای مدل خود برازش مناسبی را به دست آوردند و اشاره کرده‌اند که مدل دو عاملی، نسبت به مدل چهار عاملی شاخص‌های برازش مناسب‌تری را به دست داده است. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل‌های خودمختاری هیجانی در جامعه دانشجویی ایران و معرفی مدل دارای شاخص‌های برازش مناسب‌تر، تدوین شده است.

در حوزه بررسی ساختار عاملی مقیاسی برای خودمختاری هیجانی (استقلال عاطفی)، در ادبیات پژوهشی فارسی‌زبان (بر اساس پایگاه‌های معتبر اطلاعات علمی)، تحقیقی دستیاب نشد؛ اما طی بررسی منابع فرعی، آشکار شد که رضویه و سامانی (۱۳۷۹) ساختار عاملی مقیاس استینبرگ و سیلوربرگ را در ایران اعتباریابی کرده و در همایش

1. Detachment-Individuation

2. Chen & Dornbusch

3. Latent variable

پژوهش‌های روان‌پزشکی و روان‌شناسی ایران ارائه کرده‌اند. هم‌چنین، سامانی (۱۳۸۱) اعتبار این مقیاس را در قالب رسالهٔ منتشرنشدهٔ دکتری بررسی کرده است. در ادبیات پژوهشی بین‌المللی، از سال ۱۹۸۶ تا کنون، چندین پژوهش در این حوزه به سرانجام رسیده است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

مقیاس خودمختاری هیجانی را نخست بار استینبرگ و سیلوربرگ (۱۹۸۶) تدوین و برای آن چهار عامل را پیشنهاد کردند؛ همان‌گونه که در پیش‌آمد، این چهار عامل عبارت بودند از ایده‌آل‌زدایی، ناوابستگی، اولیا به عنوان افراد عادی و تفرّد. پژوهش‌های گوناگونی بر اساس این چهار عامل انجام شده است. برای نمونه، در ادبیات فارسی‌زبان سامانی (۱۳۸۴) همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی را در دختران فراری از خانه بررسی کرد که در تمام زیرمقیاس‌ها، دختران فراری از خانه با دختران عادی به شکل معناداری تفاوت داشته‌اند. هم‌چنین، سامانی و رضویه (۱۳۸۶) رابطهٔ هم‌بستگی خانوادگی و استقلال عاطفی را با مشکلات عاطفی نوجوانان به بوتهٔ سنجش گذاشتند که یافته‌های آنان حاکی از تأثیر بعد فردیت بر مشکلات عاطفی دختران نوجوان بود.

در ادبیات پژوهشی بین‌المللی نیز، پژوهش‌های بسیاری بر اساس چهار بعد پیشنهادی استینبرگ و سیلوربرگ (۱۹۸۶) انجام شده که انتقاداتی را به این مقیاس وارد کرده‌اند. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره شده است.

فاهرمن و هلمبک^۱ (۱۹۹۵) رابطهٔ خودمختاری هیجانی را با سازگاری به بوتهٔ سنجش گذاشتند و نتایج حاکی از آن بود که خودمختاری هیجانی بیش‌تر، به سازگاری روان‌شناختی کم‌تر می‌انجامد. خودمختاری هیجانی در محیط خانوادگی تحت فشار، سازگاری مثبت^۲ را به دنبال داشت.

1. Fuhrman & Holmbeck
2. Positive Adjustment

بیرز و گونسس (۱۹۹۹) رابطه خودمختاری هیجانی، سازگاری روان‌شناختی و سبک‌های والدگری را در مدلی به بررسی گذاشتند و یافته‌های آنان حاکی از پیش‌بینی استرس درونی^۱ به وسیله خودمختاری هیجانی بوده است.

چن (۱۹۹۹) در یک مدل وابسته به جنسیت، رابطه خودمختاری هیجانی را با انتظارات تحصیلی^۲ و عزت نفس^۳ بررسی کرد. یافته‌های وی از مثبت‌نبودن عامل تفرّد حمایت کرد. هم‌چنین در این دیدگاه، ایده‌آل‌زدایی با عزت نفس بالاتر رابطه داشت.

پیس و زاپولا^۴ (۲۰۱۰) رابطه ایده‌پردازی برای خودکشی^۵، افسردگی^۶ و خودمختاری هیجانی را بررسی کردند و یافته‌های آنان از نقش مؤثر کناره‌گیری^۷ (از ابعاد مدل دوگانه خودمختاری هیجانی) و افسردگی در ایده‌پردازی خودکشی در پسران بود. به علاوه، در دختران تعامل کناره‌گیری و افسردگی، ایده‌پردازی برای خودکشی را پیش‌بینی کرد.

به علاوه، چان و چان (۲۰۰۹) رابطه خودمختاری هیجانی را با سبک‌های والدگری ادراک‌شده در دانشجویان دوره تربیت معلم سنجیدند و آشکار شد که خودمختاری هیجانی با اقتدار^۸ رابطه منفی و با قدرت‌طلبی^۹ رابطه‌ای مثبت دارد.

اشمیتز و بائر^{۱۰} (۲۰۰۱) حین استفاده از مقیاس خودمختاری هیجانی نتوانستند مدل خود را به شکلی که در ادبیات پژوهش ارائه شده بود، هماهنگ کنند؛ هم‌چنین بنا به پیش‌نهاد استینبرگ و سیلوربرگ (۱۹۸۶) گاه این مقیاس به عنوان مقیاسی یک‌بعدی^{۱۱} نیز به کار گرفته شده است (گاربر و لیتل، ۲۰۰۱؛ پاپینی و راگمن، ۱۹۹۲؛ ریان و لینچ، ۱۹۸۹؛

-
1. Internal Stress
 2. Educational Expectations
 3. Self-esteem
 4. Pace & Zappulla
 5. Suicidal Ideation
 6. Depression
 7. Detachment
 8. Authoritativeness
 9. Authoritarianism
 10. Schmitz & Baer
 11. Unidimensional

ترنر و هم‌کاران، ۱۹۹۳). اما هیچ‌یک از پژوهش‌های یادشده شواهد روان‌سنجی را فراتر از آلفای کرونباخ^۱ گزارش نکرده‌اند و بنابراین شاهد تجربی یک‌عاملی بودن این مقیاس در دسترس نیست.

پژوهش‌هایی نیز در بررسی‌های خود عامل پدر و مادر به عنوان افراد عادی را کنار گذاشته‌اند و از نسخه چهارده‌گویه‌ای بهره برده‌اند (مثلاً چن و دورنباخ، ۱۹۹۸؛ لمبورن و استینبرگ، ۱۹۹۳). بر اساس دیدگاه استینبرگ و سیلوربرگ (۱۹۸۶) این زیرمقیاس میانگین ثابتی دارد و میانگین آن با افزایش سن، افزایش نمی‌یابد. در توجیه حذف این زیرمقیاس اسمولار و یانیس^۲ (۱۹۸۹) بیان کرده‌اند که ادراک پدر و مادر به عنوان مردم عادی تا اوایل بزرگسالی شکل نمی‌گیرد.

در نهایت، اندرسون، لایو، و دانکل^۳ (۲۰۰۷) برای خودمختاری هیجانی دو عامل اصلی را معرفی کرده‌اند. آنان عوامل اصلی این زیرمقیاس را «تفرد» و «پدر و مادر به عنوان مردم عادی» دانسته‌اند و از شکل تجدیدنظرشده مقیاس خودمختاری هیجانی بهره بردند.

همان‌گونه که در پژوهش‌های پیش‌گفته ملاحظه شد، ارتباط خودمختاری هیجانی با متغیرهای ناسازگار برجسته‌تر بوده است و همین، لزوم بازنگری در ساختار عاملی این مقیاس را برجسته می‌کند. به علاوه، به طور خلاصه باید یادآوری کرد که می‌توان یک ساختار دوعاملی را برای این مقیاس پیش‌نهاد کرد. بنابراین، بر این اساس، بررسی کامل روایی سازه مقیاس خودمختاری هیجانی مستلزم مقایسه مدل یک‌عاملی، دو عاملی، مدل اصلی چهار عاملی و مدل دو عاملی همراه با عوامل سطح دوم^۴ است.

در پژوهش حاضر، تلاش بر آن بوده است که ضمن آماده‌سازی و ترجمه مقیاس خودمختاری هیجانی برای فارسی‌زبانان، ساختار عاملی مقیاس نیز بررسی شود. بدین

-
1. Chronbach's Alpha
 2. Smollar & Youniss
 3. Anderson, La voie, & Dunkel
 4. Second-order Factor

منظور الگوی تحلیل عاملی تأییدی^۱ به کار گرفته شد. این الگو امکان بررسی مدل‌های نظری را در اختیار پژوهشگران می‌گذارد. هم‌چنین، تحلیل عاملی تأییدی، امکان مقایسه مدل‌های گوناگون را برای پژوهشگران فراهم می‌کند تا بتوانند برازش‌یافته‌ترین مدل را برگزینند. بر همین اساس، تحلیل عاملی تأییدی در پژوهش حاضر این امکان را فراهم کرده است تا مدل اصلی چهار عاملی بررسی شود و برازش آن با مدل دو عاملی پیشنهادی توسط بیرز، گوسنس، کلاستر و دوریز (۲۰۰۵) مقایسه گردد.

بدین سان و با توجه به چالش‌های مطرح‌شده برای مقیاس خودمختاری هیجانی، پژوهش حاضر با این هدف اجرا شد تا پرسش‌نامه خودمختاری هیجانی (استینبرگ و سیلوربرگ، ۱۹۸۶) به فارسی ترجمه و شاخص‌های روایی و پایایی آن بررسی شود تا امکان استفاده از آن برای سنجش این ویژگی در میان دانش‌جویان شهر شیراز فراهم شود. در همین راستا در پژوهش حاضر تلاش بر آن است تا سؤال‌های زیر بررسی شود:

۱. روایی عاملی مقیاس خودکارمختاری هیجانی چگونه است؟
۲. پایایی مقیاس خودکارمختاری هیجانی چگونه است؟
۳. آیا دانش‌جویان پسر و دختر در نمره‌های زیرمقیاس‌های خودمختاری هیجانی با هم تفاوت دارند؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر ۳۴۸ دانشجوی دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی شیراز (۲۱۳ دختر و ۱۳۴ پسر) بودند که به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. روند نمونه‌گیری به این شکل بود که با معرفی اداره آموزش دانشگاه‌ها، دو گروه (بخش‌های مختلف آموزشی دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی شیراز) از دانشجویان مقطع کارشناسی یا معادل آن در دانشگاه علوم پزشکی از هر دانشکده معرفی می‌شدند و دانشجویان آن گروه‌ها با هماهنگی مسئولان، پرسش‌نامه‌ها را

تکمیل کردند. تعدادی از پرسش‌نامه‌ها نیز به دلیل مخدوش بودن از فرایند تحلیل کنار گذاشته شدند.

ابزار:

در این پژوهش، مقیاس خودمختاری هیجانی که به وسیله سیلوربرگ و استینبرگ (۱۹۸۶) ساخته شده است، به شرکت‌کنندگان ارائه شد و آنان توانایی خود را در خودمختاری هیجانی بر اساس طیف لیکرت چهاردرجه‌ای (۱= کاملاً مخالفم؛ ۴= کاملاً موافقم) درجه‌بندی کردند. این مقیاس، شامل گویه‌هایی در حوزه‌های ایده‌آل‌زدایی از والدین (گویه)، ناوابستگی به خانواده (چهار گویه)، ادراک والدین به عنوان مردم عادی (شش گویه) و تفرّد (پنج گویه) است. جدول یک، گویه‌ها و الگوی نمره‌گذاری آن‌ها را دربردارد. ضریب آلفای کرونباخ برای هر بعد، در ادامه ارائه و درباره‌ی این مقیاس بیش‌تر بحث خواهد شد. برای استفاده از این مقیاس در ایران، ابتدا عبارت‌ها به فارسی ترجمه شد. سپس از یکی از استادان رشته آموزش زبان انگلیسی خواسته شد تا درباره‌ی انطباق محتوای متن فارسی و انگلیسی اظهار نظر کند و بر این اساس، ویرایش‌های زبانی و ادبی انجام شد؛ در نتیجه اقدامات یادشده، شکل نهایی پرسش‌نامه تدوین شد. پس از آماده‌سازی نسخه نهایی و مشخص شدن کلاس‌هایی که دانشجویان آن به عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش تعیین شده بودند، یکی از پژوهشگران با حضور در کلاس درس و ارائه توضیحات مقدماتی درباره‌ی پژوهش و هم‌چنین یادکرد این نکته که شرکت در پژوهش اجباری نیست؛ هم‌چنین اشاره به این نکته که احتیاجی به ثبت هویت فردی نیست، پرسشنامه‌ها را توزیع می‌کرد. پاسخ‌دهندگان مجاز بودند بدون محدودیت زمانی، گزینه‌های موردنظر خود را برگزینند. به طور متوسط حدود ده تا پانزده دقیقه طول می‌کشید تا پرسشنامه‌ها تکمیل شوند؛ پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های تکمیل‌شده، پژوهشگر ضمن سپاس‌گزاری از مشارکت‌کنندگان در پژوهش، درباره‌ی اهداف تحقیق و نحوه‌ی تحلیل پاسخ‌ها توضیحاتی را ارائه می‌کرد. پرسشنامه‌های تکمیل‌شده پس از رمزگردانی و ورود به رایانه، با نرم‌افزارهای SPSS و AMOS تحلیل شدند.

جدول ۱. گویه‌های مقیاس خودمختاری هیجانی

گویه‌ها
زیرمقیاس ایده‌آل‌زدایی
۱. من و والدینم درباره همه چیز توافق داریم. (-)
۴. حتی وقتی من و والدینم با هم مخالفیم، همیشه حق با والدین من است. (-)
۱۱. تلاش می‌کنم عقایدی شبیه به عقاید والدینم داشته باشم. (-)
۱۵. وقتی پدر / مادر شوم، قصد دارم فرزندانم را دقیقاً همان‌گونه تربیت کنم که پدر و مادرم مرا تربیت کرده‌اند. (-)
۱۸. پدر و مادرم به ندرت اشتباه می‌کنند. (-)
زیرمقیاس ناوابستگی
۲. قبل از آن که برای حل مشکل تلاش کنم، برای کمک گرفتن به سراغ پدر و مادرم می‌روم. (-)
۵. بهتر است بچه‌ها برای مشورت کردن، به سراغ دوستان صمیمیشان بروند؛ نه پدر و مادرشان. (+)
۶. وقتی کاری را خراب می‌کنم، برای درست کردن آن، به والدینم وابسته هستم. (-)
۱۳. اگر بین من و یکی از دوستانم، مشکلی پیش بیاید، پیش از این که تصمیم بگیرم چه کار کنم، احتمالاً شرایط را برای پدر یا مادرم توضیح می‌دهم. (-)
زیرمقیاس پدر و مادر به عنوان مردم عادی
۳. همیشه دوست دارم بدانم وقتی من در خانه و دور و بر آنها نیستم، پدر و مادرم چگونه رفتار می‌کنند. (+)
۸. والدینم وقتی در کنار پدر و مادر خودشان هستند، نسبت به وقتی که در خانه هستند، به گونه‌ای متفاوت رفتار می‌کنند. (+)
۱۰. احتمالاً از این که ببینم پدر و مادرم در یک مهمانی چگونه رفتار می‌کنند، شگفت‌زده خواهم شد. (+)
۱۲. زمانی که پدر و مادرم در محل کار خود هستند، دقیقاً مثل وقتی که در خانه هستند رفتار می‌کنند. (-)
۱۶. احتمالاً پدر و مادرم وقتی که من دور و بر آنها هستم، درباره چیزهای متفاوتی صحبت می‌کنند تا زمانی که من در اطراف آنها نباشم. (+)
۲۰. والدینم زمانی که با دوستانشان هستند، دقیقاً مثل وقتی که با من در خانه هستند، رفتار می‌کنند. (-)
زیرمقیاس تفرد
۷. چیزهایی درباره من هست که پدر و مادرم از آنها آگاهی ندارند. (+)
۹. پدر و مادرم همه چیز را درباره من می‌دانند. (-)
۱۴. اگر پدر و مادرم بدانند در مواقعی که با آنها نیستم چگونه رفتار می‌کنم، احتمالاً شگفت‌زده خواهند شد. (+)
۱۷. اگر پدر / مادر شوم، کارهایی را متفاوت از پدر و مادر خودم انجام خواهم داد. (+)
۱۹. آرزو دارم پدر و مادرم واقعاً بفهمند من چه کسی هستم. (+)

علامت منفی در مقابل گویه‌ها، نشان‌دهنده نمره‌گذاری معکوس در فرایند تحلیل است.

الگوی پژوهش حاضر در زمره مطالعات زمینه‌یابی قرار می‌گیرد؛ بنابراین با استفاده از نرم‌افزار AMOS ویرایش ۲۰، تحلیل عاملی تأییدی^۱ برای بررسی مشخصات

1. Confirmatory Factor Analysis

روان‌سنجی مقیاس انجام شد. تحلیل عاملی تأییدی به روش برآورد بیشینه احتمال^۱ اجرا شد. با اجرای تحلیل عاملی تأییدی، شاخص‌های برازش مدل محاسبه شدند؛ شاخص‌های محاسبه‌شده عبارت بودند از مجذور کای (χ^2)، شاخص برازندگی تطبیقی^۲، شاخص هنجارشده برازندگی^۳، ریشه خطای میانگین مجدوارت تقریب^۴، شاخص برازندگی نسبی^۵ و ملاک اطلاعات آکایکی^۶. درباره شاخص‌های برازش، توجه به شاخص‌هایی معطوف بوده است که کم‌تر از حجم نمونه تأثیر می‌پذیرند (کلاین^۷، ۱۹۹۸). شاخص برازندگی تطبیقی بین ۰/۷۰ تا ۰/۹۰ (کلووی^۸، ۱۹۹۸؛ کلاین، ۱۹۹۸؛ براون و کادک^۹، ۱۹۹۳) پذیرفتنی تلقی می‌شود. بار عاملی بیش‌تر از ۰/۳۰ به عنوان بار عاملی قابل قبول سؤالات تعیین شد. به علاوه، آزمون t برای گروه‌های مستقل برای بررسی تفاوت‌های جنسیتی اجرا شد.

یافته‌ها

برای بررسی روایی سازه، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. پیش از ارائه یافته‌های مربوط به تحلیل عاملی و محاسبات مربوط به پایایی، شاخص‌های آماری مربوط به سؤالات و ضرایب همبستگی نمره کل مقیاس با ماده‌ها ارائه می‌شود.

1. Maximum Likelihood
2. Comparative Fit Index (CFI)
3. Normed Fit Index (NFI)
4. Root Mean Square Error of approximation (RMSEA)
5. Relative Fit Index (RFI)
6. Akaike Information Criterion (AIC)
7. Kline
8. Kelloway
9. Browne & Cudeck

جدول ۲. شاخص‌های آماری و ضرایب همبستگی کل با گویه‌های مقیاس خودکارآمدی در تنظیم هیجانی (n = 438)

گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی با نمره کل
۱. گویه یک	۲/۵۵	۰/۷۴	°/۴۲
۲. گویه دو	۲/۸۰	۰/۸۶	°/۴۹
۳. گویه سه	۲/۶۸	۱/۰۰۱	°/۴۵
۴. گویه چهار	۲/۸۶	۰/۸۰	°/۵۲
۵. گویه پنج	۳/۰۸	۰/۷۹	°/۳۲
۶. گویه شش	۲/۶۸	۰/۷۶	°/۴۳
۷. گویه هفت	۲/۱۸	۰/۹۰	-۰/۰۱
۸. گویه هشت	۲/۸۱	۰/۹۱	°/۳۰
۹. گویه نه	۲/۷۲	۰/۹۲	°/۳۹
۱۰. گویه ده	۲/۸۸	۰/۸۳	°/۴۰
۱۱. گویه یازده	۲/۷۹	۰/۹۲	°/۵۰
۱۲. گویه دوازده	۲/۵۹	۰/۸۴	°/۳۳
۱۳. گویه سیزده	۲/۶۹	۰/۸۵	°/۴۴
۱۴. گویه چهارده	۲/۶۵	۰/۸۷	°/۲۱
۱۵. گویه پانزده	۲/۶۰	۰/۹۰	°/۳۰
۱۶. گویه شانزده	۲/۷۱	۰/۷۵	°/۱۸
۱۷. گویه هفده	۲/۲۶	۰/۸۵	-۰/۰۳
۱۸. گویه هیجده	۲/۵۵	۰/۷۵	°/۳۹
۱۹. گویه نوزده	۲/۳۲	۰/۸۸	°/۲۳
۲۰. گویه بیست	۲/۳۸	۰/۷۷	°/۲۸
نمره کل مقیاس	۵۱/۹۱	۵/۹۸	

* ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند.

با توجه به آن چه که در جدول ارائه شده است، همبستگی تمام سؤال‌ها به جز سؤال‌های هفت و هفده با نمره کل مثبت و معنادار است. بر این اساس، سؤالات هفت و هفده از مجموع سؤال‌ها کنار گذاشته شدند.

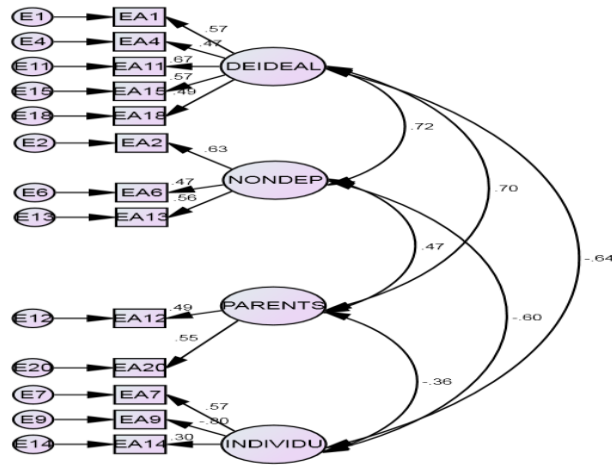
برای بررسی پایایی، از ضرایب مربوط به همسانی درونی استفاده شد و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس خودکارآمدی در تنظیم هیجانی و سه زیر مقیاس آن محاسبه

شد. آلفای کرونباخ برای کل مقیاس برابر با $0/65$ به دست آمد. با محاسبه آلفای کرونباخ برای هر کدام از زیرمقیاس‌های ایده‌آل‌زدایی، ناوابستگی به اولیا، پدر و مادر به عنوان افراد عادی و تفرد، به ترتیب مقادیر $0/66$ ، $0/58$ ، $0/42$ و $0/44$ به دست آمد. این مقادیر، نشان از پایایی نسبی مقیاس دارند؛ بحث درباره کاهش ضرایب پایایی در زیرمقیاس‌ها در ادامه ارائه خواهد شد. همچنین، همبستگی بیش‌تر گویه‌ها با نمره کل مقیاس در سطح $0/01$ معنادار بود. دامنه این ضرایب از $0/18$ تا $0/50$ در نوسان بوده است که نشان‌دهنده همسانی مناسب بیشتر پرسش‌های خودمختاری هیجانی است.

برای بررسی روایی سازه پرسشنامه خودمختاری هیجانی، از روش تحلیل عاملی تأییدی^۱ به روش بیشینه احتمال استفاده شد که وجود دو عامل اولیه را تأیید کرد. روش بیشینه احتمال بر این مفروضه استوار است که گروه نمونه از یک جامعه چندمتغیری نرمال حاصل شده است (هومن، ۱۳۸۵). مقدار ضریب KMO با $0/74$ و ضریب آزمون کرویت بارتلت با $928/831$ برابر بود که در سطح $0/001$ معنادار و حاکی از کفایت نمونه و ماتریس همبستگی گویه‌ها برای انجام تحلیل عاملی بود.

با توجه به معیارهای پیش‌گفته و در نظر گرفتن مقدار حداقل $0/30$ برای بار عاملی گویه‌های نهایی، یک گویه (گویه شماره چهار) حذف شد و شمار گویه‌های باقی‌مانده به گویه رسید. در شکل یک، نتایج تحلیل عاملی تأییدی (مدل اصلی چهار عاملی) بر روی این گویه‌ها آورده شده است.

1. Exploratory Factor Analysis



شکل یک: تحلیل عاملی تأییدی مقیاس خودمختاری هیجانی (با چهار عامل)

همان‌گونه که در شکل بالا مشاهده می‌شود، با در نظر گرفتن بار عاملی بیش از ۰/۳۰ سیزده گویه از بیست گویه اصلی مقیاس پس از تحلیل عاملی تأییدی باقی مانده است. سؤالات سه، پنج، هشت، ده، پانزده، شانزده و نوزده نیز به دلیل بار عاملی کم‌تر از ۰/۳۰ از جمع سؤالات حذف شدند.

در ادامه، با محاسبه شاخص‌های برازش مدل‌های یک عاملی، دو عاملی، و مدل دو عاملی همراه با عوامل سطح دوم (پیوست دو)، با مدل چهار عاملی اصلی شاخص‌های برازش مدل‌ها مقایسه و در جدول شماره دو ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مقیاس خودمختاری هیجانی

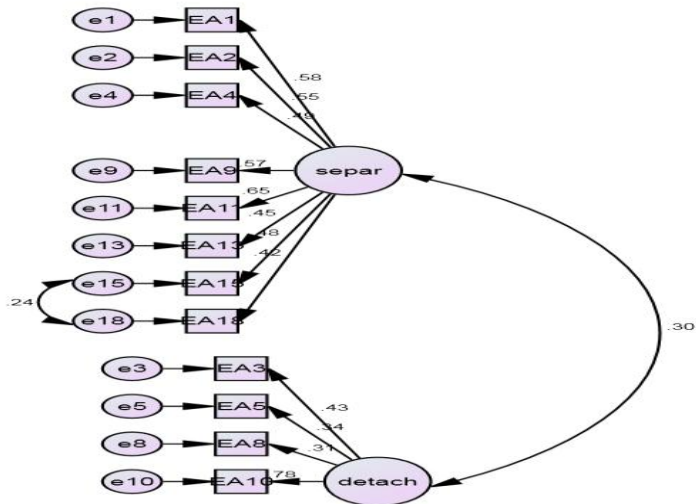
RMSEA	CFI	IFI	RFI	PNFI	NFI	AIC	χ^2	Df	شاخص‌ها مدل‌ها
۰/۰۶	۰/۸۵	۰/۵۸	۰/۷۰	۰/۵۵	۰/۷۹	۲۱۳/۳۹	۱۴۳/۳۹	۵۵	مدل یک عاملی
۰/۰۵	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۷۳	۰/۵۵	۰/۸۲	۱۹۱/۵۴	۱۱۵/۵۴	۵۲	مدل دو عاملی
۰/۰۶	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۷۴	۰/۵۴	۰/۸۳	۲۲۳/۱۰	۱۳۳/۱۰	۵۹	مدل چهار عاملی
۰/۰۸	۰/۵۹	۰/۶۰	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۵۲	۷۱۵/۶۵	۵۹۳/۶۵	۱۶۹	مدل دو عاملی با متغیر مکنون

همان‌گونه که در جدول دو مشاهده می‌شود، مدل چهار عاملی شاخص‌های برازش مناسبی را به نمایش می‌گذارد؛ اما در کنار آن، مدل دو عاملی (شامل دو عامل جدایی^۱ و کناره‌گیری^۲) نیز شاخص‌های مناسبی را به دست داده است. شاخص‌های IFI، CFI و RMSEA در این مدل، در سطح قابل قبول پژوهشگران (میرز، گامست، و گارینو^۳، ۱۳۹۱) قرار دارد. بنا بر این، در ادامه، تحلیل عاملی تأییدی مدل دو عاملی ارائه خواهد شد.

در ادامه، به منظور احراز شواهدی برای روایی سازه، از همبستگی نمره زیرمقیاس‌ها با نمره کل استفاده شد. همبستگی زیرمقیاس‌های ایده‌آل‌زدایی، ناوابستگی، ادراک اولیا به عنوان مردم عادی و تفرّد به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۶۲، ۰/۳۹ و ۰/۴۸ حاصل شد که همه در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند. بر این اساس، در نظر گرفتن چهار عامل برای مقیاس خودمختاری هیجانی، روایی مناسبی را برای آن به دست می‌دهد.

با توجه به نیرومندی شاخص‌های برازش مدل دو عاملی، تحلیل عاملی تأییدی انجام شده برای این مدل نیز در ادامه ارائه خواهد شد. نکته شایان توجه این که مدل دو عاملی یادشده، در بعضی شاخص‌ها هم‌چون RMSEA از تمام مدل‌ها مناسب‌تر بوده است.

1. Separation
2. Separation
3. Meyers, Gamst, & Garino



شکل دو، مدل دو عاملی پیش‌نهادی را به نمایش می‌گذارد. در مدل یادشده، پایایی کل مقیاس (آلفای کرونباخ) برابر با $0/70$ به دست آمد. هم‌چنین، پایایی زیرمقیاس جدایی $0/73$ و پایایی زیرمقیاس کناره‌گیری $0/58$ محاسبه شد.

شکل دو: مدل دو عاملی مقیاس خودمختاری هیجانی

به منظور بررسی شواهد بیش‌تر برای روایی سازه مقیاس خودمختاری هیجانی، همبستگی عوامل با نمره کل مقیاس بررسی شد. بر این اساس، همبستگی زیرمقیاس جدایی با نمره کل برابر با $0/73$ حاصل شد؛ هم‌چنین، همبستگی زیرمقیاس کناره‌گیری با نمره کل $0/58$ بود. هر دو همبستگی در سطح $0/01$ معنادار بودند و از همسانی درونی^۱ مناسب مقیاس حکایت دارند.

در نهایت، به منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی در متغیرهای پژوهش، از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شد. جدول سه، یافته‌های حاصل از مقایسه دختران و پسران را به نمایش می‌گذارد. به دلیل مناسب بودن شاخص‌های برازش مدل دوعاملی، برای بررسی تفاوت‌های جنسیتی از ابعاد کناره‌گیری و جدایی استفاده شد.

1. Internal Consistency

یافته‌های حاصل از آزمون t نشان داد که دختران و پسران در هیچ یک از نمرات مربوط به خودمختاری هیجانی تفاوت معناداری ندارند. در ادامه به بررسی نتایج حاصل از یافته‌ها و بحث درباره آن‌ها پرداخته خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی شاخص‌های روایی و پایایی مقیاس خودمختاری هیجانی برای دانش‌جویان ایرانی و مقایسه انواع مدل‌های ارائه‌شده برای آن انجام شد تا به این سؤال پاسخ داده شود که آیا می‌توان از ابزار یادشده برای سنجش این سازه استفاده کرد؟ هم‌چنین این پژوهش در تلاش بود تا دریابد که کدام مدل پیشنهادشده برای مقیاس خودمختاری هیجانی برازش‌یافته‌تر است و همسانی درونی مناسب‌تری را به نمایش می‌گذارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، ابزار یادشده ویژگی‌های روان‌سنجی مناسبی را برای سنجش خودمختاری هیجانی به نمایش می‌گذارد. آن‌چنان که در بخش یافته‌ها بیان شد، دو مدل از چندین مدل ارائه‌شده برای مقیاس یادشده، برازش مناسبی را به نمایش می‌گذارد و به روشنی عوامل پیش‌بینی‌شده را نشان می‌دهد. این یافته پژوهش حاضر با پژوهش‌های بیرز و هم‌کاران (۲۰۰۵)، بیرز و گوسنس (۱۹۹۹) و ریان و لینچ (۱۹۸۹) همسو است و مدل‌های دو و چهارعاملی پژوهش، با مدل‌های ارائه‌شده در دیگر پژوهش‌ها همسو و هماهنگ است.

در حوزه پایایی، پایایی کل مقیاس پذیرفتنی بود؛ اما پایایی زیرمقیاس‌ها با افت همراه بود که با توجه به ویژگی ناپایدار هیجان‌ها و تأثیرپذیری ضریب پایایی از تعداد سؤالات توجه‌پذیر است. هیجان‌ها ویژگی‌های ناپایدار ارگانیک هستند (ریو، ۱۳۹۰) و به همین دلیل ویژگی‌های مربوط به آن‌ها نیز در طول زمان تغییر می‌کند و چون پایایی شاخصی است از ثبات نتایج آزمون، کاهش پایایی در مقیاس‌های مربوط به هیجان دور از

انتظار نیست. هم‌چنین با کاهش تعداد سؤالات، ضریب پایایی نیز کاهش می‌یابد که در زیرمقیاس‌های خودمختاری هیجانی این گونه افت پایایی مشاهده شده است.

درباره شاخص‌های برازش، پیش‌تر به طور خلاصه توضیحی ارائه شده است؛ درباره مدل دو عاملی، شاخص‌های برازش اندکی مناسب‌تر از دیگر مدل‌های بررسی شده به نظر می‌رسد و بنا بر این، استفاده از مدل یادشده در پژوهش‌ها توصیه می‌شود.

این پرسش‌نامه را می‌توان هم به صورت فردی و هم به صورت گروهی اجرا کرد و استفاده از آن در گروه‌های نوجوان و آغاز بزرگ‌سالی ممکن است؛ چراکه مقیاس خودکارآمدی در تنظیم هیجانی گویه‌هایی ساده و جامع دارد. برای پاسخ‌گویی به سؤالات محدودیت زمانی خاصی وجود ندارد؛ اما به طور متوسط پاسخ‌گویی بین ده تا بیست دقیقه به طول می‌انجامد.

در باب سنجش تفاوت‌های جنسیتی، یافته‌های حاصل از این مقیاس نشان داد در هیچ یک از ابعاد مقیاس خودمختاری هیجانی، دختران و پسران تفاوت‌های معناداری نداشتند.

این یافته، با پژوهش‌های پیشین همسو نیست (چن، ۱۹۹۹؛ بیرز و گوسنس، ۱۹۹۹؛ پیس و زاپولا، ۲۰۱۰) و ممکن است به دلیل تأکید بر الگوهای خانوادگی در بافت خودمختاری هیجانی باشد؛ بر خورد خانواده‌ها با دختران و پسران عموماً یک‌سان است و به دلیل ثبات بافت و الگوی تربیتی خانوادگی، نبود تفاوت بین دختران و پسران توجیه‌پذیر می‌نماید؛ به علاوه، باید توجه کرد که مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، دانشجویان سال‌های آغازین دانشگاه بودند و همین امر، می‌تواند مبین شباهت آنان باشد؛ چرا که در آستانه ورود به بزرگ‌سالی، دغدغه‌ها و نحوه استقلال از خانواده به شدت زیر تأثیر ورود افراد به دانشگاه قرار می‌گیرد.

محدودیت‌های این پژوهش، از محدودیت‌های عمومی مرتبط با ابزارهای خودگزارشی جدا نیست. هرچند یافته‌های حاصل از این مقیاس می‌تواند برای تشخیص، پیگیری و اهداف پژوهشی مفید باشد، باید توجه کرد که این مقیاس به عنوان ابزاری

مقدماتی برای سنجش خودمختاری هیجانی شناخته می‌شود و الگوهای پیچیده‌تر روابط والدین و فرزندان را در حوزه استقلال عاطفی بررسی نمی‌کند

دیگر آن که با وجود پشتوانه روان‌سنجی پذیرفتنی و هم‌سویی یافته‌های روان‌سنجی پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین و قوت شاخص‌های حاصل از آن، مقیاس خودمختاری هیجانی هنوز یک مقیاس «خودگزارشی» است و در تعمیم و تفسیر نتایج آن باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

به علاوه، چنان که در پیش آمد، به دلیل ویژگی‌های ناپایدار هیجان‌ها و محدودیت مقیاس‌های خودگزارشی برای سنجش در طول زمان و ممکن نبودن رصد مداوم تغییرات، تعمیم نتایج به ویژه درباره جمعیت‌های نوجوان و جوان باید با احتیاط صورت گیرد. در نهایت، پیش‌نهاد می‌شود شاخص‌های روایی و پایایی مقیاس خودمختاری هیجانی در دیگر نمونه‌های دانش‌آموزی، دانشجویی و اقشار اجتماعی بررسی شود. در عین حال، به دلیل همبستگی گویه‌های این پرسشنامه با ویژگی‌های ناسازگار، پیشنهاد می‌شود پرسش‌نامه‌ای با گویه‌های مثبت نیز در اختیار جامعه دانشگاهی قرار گیرد تا بر معنای مثبت خودمختاری بیش‌تر تأکید شود.

سپاس‌گزاری

پژوهشگران لازم می‌دانند از هم‌کاری خانم‌ها سها پوست‌فروش تبریزی، میترا ابراهیمی، و فرناز هاشم‌نیا، دانشجویان ارجمند رشته روان‌شناسی بالینی در داده‌پردازی پژوهش سپاس‌گزاری کنند؛ هم‌چنین، شایسته است از دانشجویان محترم دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی شیراز که به نحوی در انجام پژوهش ما را یاری رساندند، سپاس‌گزاری شود.

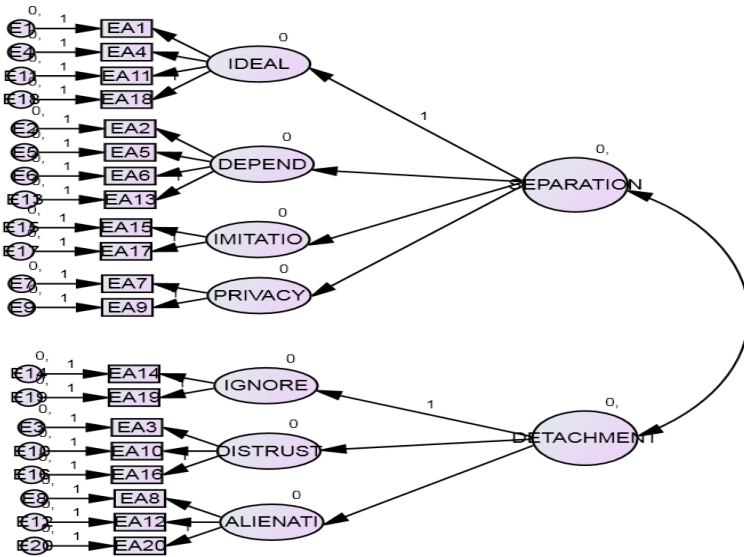
پیوست یک: فرم نهایی مقیاس خودمختاری هیجانی

«سلام یکی از نام‌های قشنگ خداوند است»

دانشجوی عزیز! در این پرسشنامه عباراتی در مورد برخی وجوه زندگی شما ارائه شده است. لطفاً هر عبارت را بخوانید و بر اساس جدول زیر مشخص کنید که هر عبارت چه قدر در مورد شما صدق می‌کند. توجه داشته باشید که هیچ پاسخ درست یا غلطی وجود ندارد. **نام و سایر مشخصات شما خواسته نشده** تا با صداقت و آرامش خاطر بیشتری پاسخ دهید. از این که صادقانه به همه سؤالات پاسخ می‌دهید، سپاس گزاریم.

۱	۲	۳	۴	۱. من و والدینم درباره همه چیز توافق داریم.
۱	۲	۳	۴	۲. قبل از آن که برای حل مشکلم تلاش کنم، برای کمک گرفتن به سراغ پدر و مادرم می‌روم.
۱	۲	۳	۴	۳. همیشه دوست دارم بدانم وقتی من در خانه و دور و بر آنها نیستم، پدر و مادرم چگونه رفتار می‌کنند.
۱	۲	۳	۴	۴. حتی وقتی من و والدینم با هم مخالفیم، همیشه حق با والدین من است.
۱	۲	۳	۴	۵. وقتی کاری را خراب می‌کنم، برای درست کردن آن، به والدینم وابسته هستم.
۱	۲	۳	۴	۶. والدینم وقتی در کنار پدر و مادر خودشان هستند، نسبت به وقتی که در خانه هستند، به گونه‌ای متفاوت رفتار می‌کنند.
۱	۲	۳	۴	۷. پدر و مادرم همه چیز را درباره من می‌دانند.
۱	۲	۳	۴	۸. احتمالاً از این که ببینم پدر و مادرم در یک مهمانی چگونه رفتار می‌کنند، شگفت‌زده خواهم شد.
۱	۲	۳	۴	۹. تلاش می‌کنم عقایدی شبیه به عقاید والدینم داشته باشم.
۱	۲	۳	۴	۱۰. اگر بین من و یکی از دوستانم، مشکلی پیش بیاید، پیش از این که تصمیم بگیرم چه کار کنم، احتمالاً شرایط را برای پدر یا مادرم توضیح می‌دهم.
۱	۲	۳	۴	۱۱. وقتی پدر / مادر شوم، قصد دارم فرزندانم را دقیقاً همان‌گونه تربیت کنم که پدر و مادرم مرا تربیت کرده‌اند.
۱	۲	۳	۴	۱۲. پدر و مادرم به ندرت اشتباه می‌کنند.

پیوست ۲. مدل پیشنهادی چهار عاملی با متغیرهای مکنون (بیرز و هم کاران، ۲۰۰۵)



مدل پیشنهادی بیرز و هم کاران (۲۰۰۵) دارای دو عامل اصلی کناره‌گیری و جدایی است؛ هر کدام از عوامل اصلی، عوامل سطح دومی را نیز در خود دارند. عوامل فرعی عامل جدایی عبارتند از: ایده‌آل‌زدایی، ناوابستگی، تقلید نکردن (Non-imitation)، و حریم خصوصی (Privacy). عوامل فرعی عامل ناوابستگی عبارتند از ادراک نادیده گرفته شدن (Perceived Ignorance)، بدگمانی (Distrust) و بیگانگی ادراک شده (Perceived Alienation).

منابع

- رضویه، اصغر و سامانی، سیامک. (۱۳۷۹). بررسی ساختار عاملی مقیاس استقلال عاطفی استرنبرگ و سیلوربرگ برای استفاده در ایران. مقاله ارائه‌شده در ششمین کنگره پژوهش‌های روان‌پزشکی و روان‌شناسی در ایران. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
- ریو، جان مارشال. (۱۳۹۱). *انگیزش و هیجان*. (یحیی سیدمحمدی. مترجم). تهران: ویرایش. سامانی، سیامک و رضویه، اصغر. (۱۳۸۶). رابطه همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی با مشکلات عاطفی. *فصل‌نامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی* (۱). ۳۰ - ۳۷.
- سامانی، سیامک. (۱۳۸۴). همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی در دختران فراری از خانه. *فصل‌نامه اندیشه و رفتار* (۱۲). ۲۵۸-۲۶۲.
- سامانی، سیامک. (۱۳۸۱). *بررسی مدل علی انسجام خانواده، استقلال عاطفی و سازگاری روانی*. رساله منتشرنشده دکترای تخصصی روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
- میرز، ل. اس، گامست، گک. و گارینو، ا. جی. (۱۳۹۱). *پژوهش چندمتغیری کاربردی (طرح و تفسیر)*. (شریفی، حسن‌پاشا؛ فرزاد، ولی‌الله؛ رضاخانی، سیمین‌دخت؛ حسن‌آبادی، حمیدرضا؛ ایزانلو، بلال و حبیبی، معجتی. مترجمان). تهران: رشد.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۵). *تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری*. تهران: پارسا.
- Anderson, B., LaVoie, J. C., & Dunkel, C. S. (2007). Individuation and parents as people: Measurement concerns regarding two aspects of autonomy. *Journal of Adolescence*, 30, 751-760.
- Beyers, W. Goossens, L., Van Calster, B., & Duriez, B. (2005). An alternative substantive factor structure of the emotional autonomy scale. *European Journal of Psychological Assessment*, 21, 147-155.
- Beyers, W., & Goossens, L. (1999). Emotional autonomy, psychosocial adjustment and parenting: interactions, moderating and mediating effects. *Journal of Adolescence*, 22, 753-769.
- Blos, P. (1979). *The Adolescent Passage*. New York: International Universities Press.
- Browne, M. W. & Cudeck, R. (1993). Alternative ways of assessing model fit. In: Bollen, K. A. & Long, J. S. (Eds.) *Testing Structural Equation Models*. pp. 136-162. Beverly Hills, CA: Sage.
- Bryant, B. F., & Yarnold, P. R. (1955). *Principal-Component Analysis & Exploratory Factor Analysis*. In L. G. Grime & P. R. Yarnold

- (Eds.), *Reading & Understanding Multivariate Statistics*, Washington DC: APA.
- Chan, K. W., & Chan, S. M. (2009). Emotional autonomy and perceived parenting styles: Relational analysis in the Hong Kong cultural context. *Asia Pacific Education Review*, 10(4), 433-443.
- Chen, Z. Y. (1999). Ethic similarities and differences in the association of emotional autonomy and adolescent outcomes: comparing Euro-American and Asian American adolescents. *Psychology Report*, 84, 501-506.
- Chen, Z., & Dornbusch, S. M. (1998). Relating aspects of adolescent emotional autonomy to academic achievement and deviant behavior. *Journal of Adolescent Research*, 13, 293-319.
- Fuhrman, T., & Holmbeck, G. N. (1995). A contextual-moderator analysis of emotional autonomy and adjustment in adolescence. *Child Development*, 66, 793-811.
- Garber, J., & Little, S.A. (2001). Autonomy and adjustment in young adolescents. *Journal of Adolescent Research*, 16, 355-371.
- Hair, J. F. J., Anderson, R. E., Tatham, R. L., & Black, W. C. (1995). *Multivariate data analysis* (4th Ed.), Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Hoffman, J. A. (1984). Psychological separation of late adolescents from their parents. *Journal of Counseling Psychology*, 31, 170-178.
- Kelloway, E. K. (1998). *Using LISREL for structural equation modeling*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Kline, R. B. (1998). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*. New York: The Guilford Press.
- Kroger, J. (1997). Gender and identity: The intersection of structure, content, and context. *Sex Roles*, 36, 747-770.
- Lamborn, S.D. y Steinberg, L.D. (1993). Emotional autonomy redux: Revisiting Ryan and Lynch. *Child Development*, 64, 483-499.
- Levy-Warren, M. H. (1999). I am, you are, and so we are: A current perspective on adolescent separation-individuation theory. In A. H. Esman, L. T. Flaherty & H. A. Horowitz (Eds.), *Adolescent psychiatry: Developmental and clinical studies* (Vol. 24, pp. 3-24). Hillsdale, NJ: Analytic Press.
- Pace U., Zappulla C (2010). Relations Between Suicidal Ideation, Depression, and Emotional Autonomy From Parents in Adolescence. *Journal of Child And Family Studies*, 19, 747-756.
- Papini, D.R. & Roggman, L.A. (1992). Adolescent perceived attachment to parents in relation to competence, depression, and anxiety: A longitudinal study. *Journal of Early Adolescence*, 12(4), 420-440.

- Ryan, R. M., & Lynch, J. H. (1989). Emotional autonomy versus detachment: revisiting the vicissitudes of adolescence and young adulthood. *Child Development*, 60, 340-356.
- Schmitz, M.F., & Baer, J. C. (2001). The vicissitudes of measurement: A confirmatory factor analysis of the Emotional Autonomy Scale. *Child Development* 72 (1), 207-219.
- Steinberg, L., & Silverberg, S. B. (1986). The vicissitudes of autonomy in early adolescence. *Child Development*, 57, 841-851.
- Turner, R.A., Irwin, C.E., Tschann, J.M., & Milstein, S.G. (1993). Autonomy, Relatedness, and the Initiation of Health Risk Behaviors in Early Adolescence. *Health Psychology*, 12 (3). 200-208.
- Youniss, J., & Smollar, J. (1985). *Adolescent relations with mothers, fathers, and friends*. Chicago: University of Chicago Press.
- Zimmer-Gembeck, M.J., & Collins, W.A. (2003). Autonomy development during adolescence. In G.R. Adams & M. Berzonsky (Eds.), *Blackwell Handbook of adolescence* (pp. 175-204). Oxford: Blackwell Publishers.